

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۱۶-۹۱

بررسی دگرگونی مفهومی امّی و امت‌ها در عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم*

دکتر حسین حیدری

دانشیار دانشگاه کاشان

Email: golestan1387@gmail.com

چکیده

نوشتار پیش رو در جستجوی تبیین مفهوم امت‌ها و انحصارگرایی قومی در پرتو کتاب مقدس و مفهوم امّی و امّیون در قرآن کریم است. آیا عنوان امّی معادل مشرکان و بت پرستان است، یا به افراد غیر یهودی اطلاق می‌شود؟ همچنین امّی خوانده شدن حضرت محمد (ص) در قرآن، آیا ناظر بر بیسوادی آن بزرگوار است، یا می‌توان این لقب را نیز در پرتو پیشینه‌ی واژه در کتاب مقدس به معنای افراد غیر یهودی یا هر فرد نا آشنا به عهدین دانست؟

این مقاله با مروری بر کاربرد این اصطلاح در عهد قدیم و عهد جدید، و همچنین با نگاه کلی و نیز به ترتیب کتب مختلف عهدین، نتیجه می‌گیرد که لفظ امت در بخش‌های نخستین عهد قدیم به همه جوامع از جمله یهودیان اطلاق شده، ولی به تدریج به غیر یهود گفته می‌شده است. در عهد جدید واژه امّی فقط به معنای جوامع غیر یهود و غیر مسیحی آمده است. با توجه به پیشینه مفهوم در عهدین و با مروری بر آیاتی که واژه‌های امّی و امّیون در آن‌ها آمده، دریافته می‌شود که منظور از امّی در قرآن مجید، نه فرد بیسواد و ناتوان از قرائت و کتابت، بلکه نا آشنا به تورات و انجیل است، هر چند یهودی یا مسیحی باشد.

کلیدواژه‌ها: امّی، امت‌ها، امّیون، گوی، گویم.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳.

مقدمه

لفظ «امت‌ها» برگرفته از واژه عبری «گوئیم» Goyim (مفرد آن goy گوی) است که معادل ییدیشی آن را کلمه Gentiles دانسته‌اند (Sherbok, P:53). از کلمه امت‌ها، معنای «غیر یهودی» و در نتیجه «بیگانه» استنباط شده است.^۱ واژه «امت» در معنی بیگانگان را، با کلمه یونانی ethnos/ethne می‌توان مترادف دانست.^۲

روشن است که در این جا بار معنایی «بیگانه» در فضای سنت یهودیت کاربرد دارد و بالتبع، ناظر بر تمامی افراد غیر یهودی اعم از اقوام نزدیک و دور است. چنین تقسیم‌بندی با این سبک و سیاق در تاریخ ادیان بی سابقه نیست! این رویکرد انحصارطلبانه بنی اسرائیل که حاکی از تفاخر قومی و تحقیر سایر مردمان است، با تفاوت‌هایی، حتی در میان یونانیان باستان که مدعی تمدن و علوم بوده‌اند نیز سابقه داشته است. آنان نیز همانند یهودیان که اقوام و ملل بیگانه و غیر یهودی را عمدتاً با لفظ «امت‌ها» خطاب می‌کنند، تمام افراد غیر یونانی را در زمره برتریان (Barbarians) به حساب می‌آوردند.^۳

۱-نگاهی کلی به مفهوم امت‌ها در عهد عتیق

عبرانیان معاصر کتاب مقدس و نیز پیروان متأخر یهودیت، در توالی ایام بسته به نوع شرایط معیشت و سیاست خویش، جهت‌گیری‌های گونه‌گونی موافق یا مخالف گوئیم (امت‌ها) داشته‌اند. هرچند گهگاهی از سر الفت و رأفت از آن‌ها سخن گفته‌اند و نصیب ایشان را از بهره آخرت ممکن شمرده و یکسره اهل ضلال و خسران قلمداد نکرده‌اند، با این حال در اغلب موارد نیز نسبت به ایشان عداوت و تحقیر بی حد روا داشته‌اند.^۴

تاکید و تمرکز بنی اسرائیل به رواج استعمال اصطلاح «قوم» و معادل عبری آن am//ammim (در انگلیسی the People) و برجسته‌سازی کلمه امت‌ها (gentiles) برای

^۱ Encyclopedia of Judaism, Sara E.Karesh & Michell M.Hurvitz, P:171 ; Britannica Encyclopedia of World Religions, P: 369; Kenneth Atkinson, P: 6

^۲ . T.Witton.Davies, P:646; Dictionary of Biblical Imagery, Ed:Leland Ryken and others, P: 1117

^۳ .Dictionary of All Religions and Religious Denominations, Adams Hannah, P:95

^۴ A Popular Dictionary of Judaism, Lavinia & Dan Cohn Sherbok, P:53

غیر یهودیان، به‌ویژه در تنخ (عهد عتیق)، همچنان برخاسته از رویکرد انحصار گرایانه سنت یهودی بوده که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد.^۱

عنوان امت‌ها در آغاز عهد عتیق، به هیچ روی منحصر به اقوام بیگانه و افراد غیر یهودی نبوده، بلکه همه ملل را شامل می‌شده است. مؤید این مدعا، آیات برجسته سفر پیدایش می‌باشند که در آن‌ها سخن از عهد خداوند با آبای یهود است. برای مثال در آیه ۵:۱۰ در ادامه ذکر اسامی پسران نوح و نسل‌های بعدی آنان چنین آمده است: «از اینان جزایر امت‌ها منشعب شدند در اراضی خود، هر یکی موافق زبان و قبیله‌اش در امت‌های خویش». دیگر بار همین رویکرد را به شکل برجسته در باب خاندان ابراهیم می‌توان دید: «و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود به سوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود.» (پیدایش، ۲:۱۲)^۲ از مهم‌ترین مصادیق یهودیان به عنوان «امت‌ها»، داستان ابراهیم و میعاد حق تعالی با اوست. مهم‌ترین دلیل مدعای یاد شده همین آیه است: «آن‌گاه ابرام به روی وی در افتاد و خدا به وی خطاب کرده، گفت: اما من اینک عهد من با توست و تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود؛ و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود، زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم.» (پیدایش، ۱۷:۳-۵) بنابراین، انتساب و اطلاق صرف عنوان امت‌ها به غیر یهودیان، بر مبنای مضامین کتاب مقدس پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد. دیگر این‌که به‌رغم صراحت موارد یاد شده، برخی از پژوهشگران (T.Witton.Davies,P:646) برآنند که استعمال واژه مزبور در حق عبرانیان در عهد عتیق، مصادف با مواردی بوده که یهوه نیت مذمت معصیت‌های قوم را اراده کرده است: «وای بر امت خطاکار و قومی که زیر بار گناه می‌باشند و بر ذریت شریران و پسران مفسد. خداوند را ترک

^۱ T.Witton.Davies,P:646

^۲ در این مقاله ترجمه آیات عهدین از همان ترجمه رایج و قدیمی کتاب مقدس استفاده شده است. نگارندگان در موارد بسیار این ترجمه را با معتبرترین ترجمه‌های موجود به زبان انگلیسی مطابقت داده‌اند و از دقت مترجمان فارسی در شگفت بوده‌اند. ترجمه‌ای که پیشینه آن به اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد. در سال ۱۸۱۲ م، هنری مارتین به کمک میرزا سید علی‌خان در شیراز عهد جدید را از یونانی به فارسی برگرداندند. این ترجمه در سال‌های بعد چاپ شد. در سال ۱۸۴۵ م، ویلیام گلن و میرزا محمد جعفر شیرازی ترجمه کامل عهد عتیق را با ترجمه گلن و عهد جدید را با ترجمه مارتین منتشر کردند. سالها بعد نیاز به تجدید نظر در این ترجمه احساس شد؛ لذا رابرت بروس به کمک کاراپت اوهانس اهل جلفا و چند تن دیگر، با صرف بیست سال وقت این ترجمه را تجدید نظر و اصلاح کردند. حاصل کوشش آنان در ۱۸۹۵ منتشر شد که تاکنون بهترین و دقیق‌ترین ترجمه عهدین به حساب می‌آید. یکی از عوامل دقت این ترجمه، خویشاوندی زبان عبری با عربی و واژگان عربی دخیل در فارسی است، به گونه‌ای که امثال واژگان عبری نبی یا امت عبری را می‌توان در فارسی عیناً در متون فارسی به کار برد.

کردند و قنوس اسرائیل را اهانت کردند و به سوی عقب منحرف شدند» (اشعیاء، ۴:۱) با این حال روشن است که این طرز تلقی، پایه چندان استواری ندارد، زیرا مواردی که در اثبات اطلاق امت‌ها به قوم بنی اسرائیل ذکر شده، تماماً ناقض تصوّر مزبور است، زیرا لحن و مضمون سخن یهوه فی‌المثل با ابراهیم و ملقب ساختن او به عنوان پدر امت‌ها به هیچ روی بار عتاب آلود ندارد. (پیدایش، ۱۷:۳-۵).

به‌رغم این تساوی در انتساب اصطلاح امت‌ها هم به یهودیان نخستین و هم به سایر مردمان، در گذر ایام، بنی اسرائیل با هدف تمایز خویش از سایرین و به دلیل این‌که خود را قوم خاص و ملت شاخص یهوه بر می‌شمرد، یکسانی این عنوان را برنتابید! لذا به مرور، لفظ امت‌ها صرفاً مرادف با غیر یهودیان، اعم از بت پرستان و اقوام بیگانه گشت و واژه قوم (Am) هم برای اشاره به بنی اسرائیل به کار گرفته شد (ibid). این نگرش انحصار طلبانه عبرانیان و تفویض عنوان و مفهوم امت‌ها به غیر یهودیان بیش و پیش از هر منبعی در نصوص ربانیان دیده می‌شود. (The Routledge Dictionary, P:47) بر مبنای این متون، آدمی بر دو گونه است: ۱. کسانی که در زمره مومنان تورات و موحدان یهوه هستند. ۲. کسانی که بت پرست و کافر به تورات می‌باشند. (ibid).

از یک نظرگاه دیگر، می‌توان این قسم از انحصار طلبی یهودیت را که ماهیتی اساساً مذهبی - نژادی دارد، نشان‌دهنده تنش و چالش پیروان سنت یهودیت با رویکرد هم‌نواپی با جهان Universalism است (David W. Suter, P:369). این نکته تلویحاً از سیاق برخی از آیات عهد عتیق قابل استنباط است. به عنوان مثال اقدام عزرا و نحمیا در تفکیک نژادی مبنی بر اخراج نساء غیر یهودی و بیگانه از گرد قوم خدا، مؤید مدعای مزبور است (عزرا: باب‌های ۱۰ و ۹؛ نحمیا: ۱۰:۳۰؛ ۱۳:۲۳-۳۱). این نگرش به تمایز نژادی و حتی تفاخر دینی، دیگر بار در الزام به جداسازی خوراک یهودیان از بیگانگان متجلی شده است (ibid و دانیال، ۸:۱-۱۵). ختنه (Peritome) نماد تقدیس خداوند و نشان وفاداری افراد به میعاد او با قوم است و از سوی دیگر وجه ممیزه یهودیان از سایرین نیز قلمداد می‌شود. (Dictionary of Biblical Imagery, P:1118) از همین رو کسانی که به تعبیر کتاب مقدس در زمره افراد نامختون (krobystia) بودند، خارج از محدوده عهد خدا به حساب آمده (ibid) و بالتبع کافر و دوری از آن‌ها فریضه تلقی می‌شد:

«پس خدا به ابراهیم گفت: و اما تو عهد مرا نگاه دار، تو و بعد از تو ذریت تو در نسل‌های

ایشان. این است عهد من که نگاه خواهید داشت، در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود، و گوشت قَلْفَه خود را مختون سازید، تا نشان آن عهدی باشد که در میان من و شماست.» (پیدایش، ۹:۱۷-۱۱).

در عهد عتیق به تدریج در راستای این طرز تعبیر، نگرش‌های تحقیر آمیز به اَمّت‌ها و بیگانگان ظهور و بروز کرد: «پس بسیار تشنه شده، نزد خداوند دعا کرده، گفت که به دست بندهات این نجات عظیم را دادی و آیا الآن از تشنگی بمیرم و به دست نامختونان بیفتم؟» (داوران، ۱۸:۱۵؛ مقایسه شود با داوران ۱۴:۳؛ اول سموئیل، ۲۶:۱۷، ۳۶؛ اول تواریخ، ۴:۱۰) شدت و قوت این تفاخر قومی-دینی و بالتبع تحقیر و تمسخر اَمّت‌ها در نزد سران و افراد قوم به جایی رسید که حتی در تلمود بابلی از بیگانگان به مانند سگان یاد شد (ibid). این عمق انزجار و نفرت به دلایلی بود که برخی از آن‌ها ذکر شد.

به رغم این نگرش ناصواب، اَمّت‌ها به کلی مطرود و مطعون قوم خدا نبودند! و اعلام شد فقط در صورتی که اَمّت‌ها و بیگانگان، قانون نوح (Noachide Laws) را رعایت کنند، امیدوار به اندک تنعم و بهره‌ای از جهان خرم آتی باشند^۲. بنابراین «گوئیم» ملزم و حتی محتملا مجاز به اجرای احکام تورات نبودند. تنها به ایشان فریضه بود تا از قانون نوح، که در بردارنده ممنوعیت‌هایی چون شرک و بت‌پرستی است، پیروی کنند.

۲- تحولات مفهومی اَمّت‌ها در صحف عهد عتیق

سفر پیدایش

سفر پیدایش برای نخستین بار در ادامه روایت ماجرای نوح و خاندان او بعد از واقعه طوفان، به صراحت از اعقاب و اولاد نوح و نسل‌های بعدی آن‌ها به عنوان «اَمّت‌ها» یاد می‌کند: «از اینان جزایر اَمّت‌ها منشعب شدند در اراضی خود، هر یکی موافق زبان و قبیله‌اش در اَمّت‌های خویش» (۵:۱۰؛ مقایسه شود با ۱۰:۲۰؛ ۱۰:۳۱-۳۲).

^۱ مجموعه قوانین نوح معروف به Noachidia Laws. بر مبنای منابع یهودیت تلمودی، عنوان اطلاق شده به قوانین و احکامی است که پیش از نزول وحی به موسی، به آدم و نوح صادر شده است. این قوانین بر اساس تلمود، کمترین اصول و احکامی هستند که باید از سوی افراد رعایت شوند. از این ۷ قانون، ۵ قانون نخست که در باب تحریم‌های اصلی است، عبارتند از: منع شرک، کفرگویی، قتل، زنا و سرقت. ششمین قانون فرمان، تأسیس و بنیاد محکمه‌های عدالت و در نهایت آخرین حکم که بعد از طوفان به نوح صادر شد منع تناول گوشت بریده شده از حیوان زنده است (Britannica Encyclopedia of World Religions, P:817).

^۲ - David W. Suter, P:369; A Popular Dictionary of Judaism, Lavinia & Dan Cohn Sherbok, P:53

دیگر بار در داستان دعوت خداوند از ابراهیم برای انجام ماموریت آشکار، خداوند از نسل آینده او به عنوان «امت‌ها» یاد می‌کند: «از اینان جزایر امت‌ها منشعب شدند در اراضی خود، هر یکی موافق زبان و قبیله‌اش در امت‌های خویش.» (۲:۱۲).

بنابراین، دایره اشتغال عنوان امی و امت‌ها در ادوار نخست کتاب مقدس عبری (تنخ)، نژاد یهودیان را نیز شامل می‌شد و تمایزی مابین امت‌ها با آباء یهودی و خاندان آن‌ها نبود: «پس به ابرام گفت: یقین بدان که ذریت تو در زمینی که از آن ایشان نباشد، غریب خواهند بود، و آن‌ها را بندگی خواهند کرد، و آن‌ها چهارصد سال ایشان را مظلوم خواهند داشت؛ و بر آن امتی که ایشان بندگان آنها خواهند بود، من داوری خواهم کرد؛ و بعد از آن با اموال بسیار بیرون خواهند آمد.» (۱۳:۱۵-۱۴) در آیات مزبور، روشن است که عنوان امت‌ها، این بار برای مصریان به مثابه غیر یهودیان اطلاق شده است. در آیات ۴:۱۷-۶ سفر پیدایش، واژه امت‌ها، همه ذریه ابراهیم را در بر می‌گیرد، از او به عنوان «پدر امت‌ها» نام می‌برد: «اما اینک عهد من با توست و تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود، زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم؛ و تو را بسیار بارور نمایم و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند» (۱۷:۴-۶). بار دیگر در ادامه داستان حیات ابراهیم، از نسل او که به واسطه ساره به وجود خواهد آمد، از نام امت‌ها استفاده می‌شود: «و خدا به ابراهیم گفت: اما زوجه تو سارای، نام او را سارای مخوان، بلکه نام او ساره باشد؛ و او را برکت خواهم داد و پسری نیز از وی به تو خواهم بخشید. او را برکت خواهم داد و امت‌ها از وی به وجود خواهند آمد، و ملوک امت‌ها از وی پدید خواهند شد.» (۱۷:۱۶) با پی‌گیری آیات سفر یاد شده ملاحظه می‌شود که همین رویه در باب اسماعیل (۱۷:۲۰) پسران اسحق (۲۵:۲۳؛ ۴:۲۶) نسل یعقوب (۲۸:۳؛ ۳۵:۱۱؛ ۴۶:۳) و نسل منسی و افرایم (۴۸:۱۴-۱۹) نیز صادق است.

سفر خروج

در سفر خروج، از آیه ۹:۲۴ آشکارا استنباط می‌شود که لفظ امت‌ها به غیر عبرانیان اطلاق شده است: «و تگرگ آمد و آتشی که در میان تگرگ آمیخته بود، و به شدت سخت بود، که مثل آن در تمامی زمین مصر از زمانی که امت شده بودند، نبود.» همین ویژگی را می‌توان در باب مواجهه بنی اسرائیل و موسی با سکنه کنعان مشاهده کرد: «امت‌ها چون شنیدند، مضطرب گردیدند. لرزه بر سکنه فلسطین مستولی گردید.» (خروج، ۱۴:۱۵).

به‌رغم آیات مذکور، در سفر خروج نیز همانند سفر تکوین، اشاراتی دال بر اشتغال عام لفظ امت‌ها، اعم از عبرانیان و غیر عبرانیان، مسطور است، چنان‌که خداوند هم‌چون مرحله میعاد با ابراهیم، در خطاب به موسی از عبرانیان به عنوان امت مقدس یاد می‌کند: «و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. این است آن سخنانی که به بنی اسرائیل می‌باید گفت.» (خروج، ۱۹: ۶).

سفر لاویان

در سفر لاویان، لفظ امت‌ها تنها به کسانی منسوب شده که اهل انواع فسق و فجور بوده و عاری از تقیدات اخلاقی‌اند؛ لذا یهوه از قوم خویش می‌خواهد تا به کردار امت‌ها رفتار نکنند: «به هیچ‌کدام از این‌ها خویشان را نجس مسازید، زیرا به همه این‌ها امت‌هایی که پیش روی شما بیرون می‌کنم، نجس شده‌اند.» (لاویان، ۱۸: ۲۴؛ مقایسه شود با ۲۸: ۱۸) مجدداً چنین رویکردی با سبک و سیاقی دیگرگون در مورد ملت‌های غیر عبرانی دیده می‌شود: «و به شما گفتم شما وارث این زمین خواهید بود و من آن را به شما خواهم داد و وارث آن بشوید، زمینی که به شیر و شهد جاری است. من یهوه خدای شما هستم که شما را از امت‌ها امتیاز کرده‌ام.» (۲۴: ۲۰؛ مقایسه شود با ۲۶: ۲۰؛ ۳۳: ۲۶؛ ۴۵: ۲۶) روشن است که این تمایز برخاسته از عملکرد بیگانگان و تفاوت آن با خواست و اراده یهوه است.

از فحوای آیه ۳۸: ۲۶ این بخش می‌توان حس عداوت و تخاصم امت‌ها با عبرانیان را دریافت: «و در میان امت‌ها هلاک خواهید شد و زمین دشمنان شما، شما را خواهد خورد.».

سفر اعداد

در این سفر نیز مسأله تمایز امت‌ها با بنی اسرائیل به‌صراحت طرح شده است: «زیرا از سر صخره‌ها او را می‌بینم؛ و از کوه‌ها او را مشاهده می‌نمایم. اینک قومی است که به تنهایی ساکن می‌شود، و در میان امت‌ها حساب نخواهد شد.» (اعداد، ۹: ۲۳) امت‌ها به عنوان دشمنان عبرانیان توصیف شده‌اند: «خدا او را از مصر بیرون آورد. او را شاخ‌ها مثل گاو وحشی است. امت‌های دشمنان خود را خواهد بلعد و استخوان‌های ایشان را خواهد شکست و ایشان را به تیرهای خود خواهد دوخت.» (۸: ۲۴؛ مقایسه شود با ۲۰: ۲۴).

سفر تثیبه

در این سفر نیز در تمایز میان امت‌ها به‌سان بیگانگان و غیریهودیان با بنی اسرائیل آیاتی صراحت دارد: «تا امت‌های بزرگتر و عظیم‌تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و تو را

درآورده، زمین ایشان را برای ملکیت به تو دهد، چنان که امروز شده است.» (تثنیه، ۴:۳۸)^۳
 به‌رغم این تمایز، از سیاق آیه ۵:۲۶، انتساب لفظ امت‌ها به قوم بنی اسرائیل استنباط می‌شود: «پس تو به حضور یهوه خدای خود اقرار کرده، بگو: پدر من آرامی آواره بود، و با عددی قلیل به مصر فرود شده، در آنجا غربت پذیرفت، و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد.»

از جمله در آیات زیر به برخی از اوصاف امت‌هایی که برای بنی اسرائیل شناخته^۴ شده بودند، طعن می‌شود:

۱. **اهل شرارتند:** «... به سبب شرارت این امت‌ها، خداوند ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید نه به سبب عدالت خود و نه به سبب راستی دل خویش داخل زمین ایشان برای تصرفش می‌شوی، بلکه به سبب شرارت این امت‌ها، یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج می‌نماید، و تا آن که کلامی را که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده بود، استوار نماید.» (۴:۹-۵).

۲. **اهل سحر و جادو و قربانی کودکان خود به خدایان هستند:** «چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد داخل شوی، یاد مگیر که موافق رجاسات آن امت‌ها عمل نمایی؛ و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب‌گو و نه افسونگر و نه جادوگر، و نه ساحر و نه سؤال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می‌کند. زیرا هر که این کارها را کند، نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، یهوه، خدایت، آن‌ها را از حضور تو اخراج می‌کند.» (۹:۱۸-۱۲).

۳. **بت پرست و مشرکند:** «جمع اماکن امت‌هایی را که در آن‌ها خدایان خود را عبادت می‌کنند و شما آن‌ها را اخراج می‌نمایید خراب نمایید، خواه بر کوه‌های بلند خواه بر تله‌ها و خواه زیر هر درخت سبز. مذبح‌های ایشان را بشکنید و ستون‌های ایشان را خرد کنید، و اشیره‌های ایشان را به آتش بسوزانید، و بت‌های تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمایید، و نام‌های ایشان را از آنجا محو سازید.» (۲:۱۲-۳؛ مقایسه شود با ۷:۱۳؛ ۳۶:۲۸ و ۶۴).

۴. **متصف به رذایل اخلاقی و عاری از رأفت و مروتند:** «و خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب می‌پرد بر تو خواهد آورد، امتی که زبانش را نخواستی

^۳ قس: سفر تثنیه: ۱۱:۱۷؛ ۲۳:۱۲؛ ۲۹:۱۵؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱؛ ۱۵:۲۰؛ ۱۶-۱۵:۲۸؛ ۳۳-۳۲:۲۸؛ ۳۷:۲۸؛ ۴۹:۲۸؛ ۱۶:۲۹؛ ۱:۳۰.

^۴ عبارت شناخته شده، دلالت بر همجواری و همسایگی بنی اسرائیل با مردمان مزبور دارد؛ لذا بدیهی است که این اوصاف به هیچ روی ناظر بر تمام امت‌ها و به عبارتی تمام سکنه غیر یهودی زمین؛ که در حکم امت‌ها به حساب می‌آیند. نیست.

فهمید. اُمّتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد و بر جوانان ترحم ننماید؛ و نتایج بهایم و محصول زمین را بخورد تا هلاک شوی؛ و برای تو نیز غله و شیر و روغن و بچه‌های گاو و بره‌های گوسفند را باقی نگذارد تا تو را هلاک سازد.» (۴۹:۲۸-۵۱).

در خلال مضامین سفر تثنیه، در مقابل عنوان اُمّت‌ها، که بالتبع ناظر بر ملت‌ها و گروه‌های غیر عبرانی است، لفظ مفرد قوم برای یهودیان و بنی اسرائیل به کار برده می‌شود: «زیرا تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی، و خداوند تو را برای خود برگزیده است تا از جمع اُمّت‌هایی که بر روی زمین‌اند به جهت او قوم خاص باشی.» (۲:۱۴؛ مقایسه شود با ۱۸:۲۶-۱۹؛ ۴۳:۳۲).

از دیگر نکات شایان توجه سفر تثنیه درباره مواجهه و تعامل بنی اسرائیل با اُمّت‌ها، امکان و شرایط تفوق ایشان بر این مردمان است. به عبارتی، رگه‌های تفاخر نژادی-دینی که پیشتر در آغاز گفتار، به مثابه انگیزه اصلی انحصارگرایی سنت یهودیت و جدایی از سایرین (اُمّت‌ها)، طرح شد در این قسم از آیات می‌توان ملاحظه کرد. به عنوان نمونه تلویحا در این آیه شرط پیروی از یهوه و مطاوعت محض از او عامل تسلط بر اُمّت‌ها تلقی شده است: «و اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع اُمّت‌های جهان بلند خواهد گردانید؛ و تمامی این برکت‌ها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آواز یهوه خدای خود را بشنوی» (۲:۲۸-۱).

«و جمیع اُمّت‌های زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است، و از تو خواهند ترسید» (۱۰:۲۸).

«و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود، تا باران زمین تو را در موسمش بباراند، و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد؛ و به اُمّت‌های بسیار قرض خواهی داد، و تو قرض نخواهی گرفت.» (۱۲:۲۸).

یکی از مهم‌ترین آیات مؤید مدعای یاد شده آیه ۳۲:۸-۹ است: «چون حضرت اعلیٰ به اُمّت‌ها نصیب ایشان را داد و بنی آدم را منتشر ساخت، آنگاه حدود اُمّت‌ها را قرار داد، برحسب شماره بنی اسرائیل، زیرا که نصیب یهوه قوم وی است، و یعقوب قرعه میراث اوست.»

داوران

در این قسمت از کتاب مقدس نیز آیاتی درباره تمایز اُمّت‌ها از قوم بنی اسرائیل مطرح

شده است: «من نیز هیچ یک از امت‌ها را که یوشع وقت وفاتش وا گذاشت، از حضور ایشان دیگر بیرون نخواهم کرد» (۲:۲۱؛ مقایسه شود با ۲:۴ و ۱۳ و ۱۶).

اول سموئیل

از اقوام و مردمان غیر یهودی و بیگانه به عنوان امت‌ها یاد شده است: «تا ما نیز مثل سایر امت‌ها باشیم و پادشاه ما بر ما داوری کند، و پیش روی ما بیرون رفته، در جنگ‌های ما برای ما بجنگد» (۸:۲۰).

دوم سموئیل

همانند اول سموئیل، در این بخش نیز این تمایز میان قوم بنی اسرائیل و غیر یهودیان استنباط می‌شود: «و تو مرا از مخاصمات قوم من خواهی رهانید، و مرا برای سرداری امت‌ها حفظ خواهی کرد، و قومی را که شناخته بودم، مرا بندگی خواهند کرد.» (۲۲:۴۴؛ مقایسه شود با ۲۲:۵۰).

اول و دوم پادشاهان

وجه غالب قاطبه صحف عهد عتیق در باب امت‌ها، تمایز و تفاوت بنی اسرائیل از آن‌ها است. همین رویکرد را می‌توان در مابقی بخش‌های عهد عتیق مشاهده کرد. در بخش اول و دوم پادشاهان نیز رهیافت فوق‌شایان توجه است: «و از جمیع آدمیان از ایتان ازراحی و از پسران ماحول، یعنی حیمان و کلکول و دزدع حکیم‌تر بود و اسم او در میان تمامی امت‌هایی که به اطرافش بودند، شهرت یافت.» (اول پادشاهان، ۴:۳۱؛ مقایسه شود با ۱۱:۲؛ ۱۴:۲۴). «و نه فقط به راه پادشاهان اسرائیل سلوک کرد، بلکه پسر خود را نیز از آتش گذرانید، موافق رجاسات امت‌هایی که خداوند، ایشان را از حضور بنی اسرائیل اخراج کرده بود.» (دوم پادشاهان، ۱۶:۳؛ مقایسه شود با ۱۷:۸ و ۱۱ و ۱۵)^۵

اول و دوم تواریخ

در کتب مزبور نیز رویکرد تمایز مورد نظر استمرار دارد: «و اسم داود در جمیع اراضی شیوع یافت و خداوند ترس او را بر تمامی امت‌ها مستولی ساخت.» (اول تواریخ، ۱۴:۱۷؛ ۱۶:۲۰ و ۲۴)^۶

^۵ همچنین نگ: دوم پادشاهان ۱۷:۲۹ و ۳۳ و ۴۱؛ ۱۸:۳۳؛ ۱۹:۱۲ و ۱۷.

^۶ بنگرید: اول تواریخ: ۱۶:۲ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۵ و ۱۷:۲۱؛ ۱۱:۱۸.

«و گفت: ای یَهُوه، خدای پدران ما، آیا تو در آسمان خدا نیستی و آیا تو بر جمیع ممالک اُمّت‌ها سلطنت نمی‌نمایی؟ و در دست تو قوت و جبروت است و کسی نیست که با تو مقاومت تواند کرد. آیا تو خدای ما نیستی که سکنه این زمین را از حضور قوم خود اسرائیل اخراج کرده، آن را به ذریت دوست خویش ابراهیم تا ابدالآباد داده‌ای؟» (دوم تواریخ، ۶:۲۰-۷)^۷

عزراء و نحمیاء

در این دو کتاب نیز بیگانگان و غیر یهود اُمّت‌ها معرفی شده‌اند: «و بنی اسرائیل که از اسیری برگشته بودند، با همه آنانی که خویشان را از رجاسات اُمّت‌های زمین جدا ساخته، به ایشان پیوسته بودند تا یهوه خدای اسرائیل را بطلبند، آن را خوردند» (عزراء، ۶:۲۱)^۸ «پس حال، کلامی را که به بنده خود موسی امر فرمودی، بیاد آور که گفتی شما خیانت خواهید ورزید و من شما را در میان اُمّت‌ها پراکنده خواهم ساخت.» (نحمیاء، ۱:۸-۹)^۹

کتاب ایوب

در این کتاب نیز اشاراتی به اصطلاح اُمّت‌هاست: «چون او آرامی دهد کیست که در اضطراب اندازد، و چون روی خود را بپوشاند کیست که او را تواند دید؟ خواه به اُمّتی، خواه به انسانی مساوی است» (۲۹:۳۴؛ مقایسه شود با ۲۰:۳۶).

مزامیر داود

از آیات این بخش نیز بر می‌آید که یهوه اُمّت‌ها را داوری خواهد کرد: «و مجمع اُمّت‌ها گرداگرد تو بیایند؛ و بر فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما. خداوند اُمّت‌ها را داوری خواهد کرد. ای خداوند، موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا! داد بده!» (مزامیر، ۷:۷-۸).

او همچنین اُمّت‌ها را توبیخ کرده است: «اُمّت‌ها را توبیخ کرده‌ای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا ابدالآباد.» (۵:۹؛ مقایسه شود با ۱۰:۱۶). اوست که بر اُمّت‌ها محیط و مسلط است: «زیرا سلطنت از آن خداوند است و او بر اُمّت‌ها مسلط است.» (۲۸:۲۲؛ مقایسه شود با ۸:۴۷) یهوه همچنین اُمّت‌ها راهادی خواهد بود: «اُمّت‌ها

^۷ همچنین نگ: دوم تواریخ: ۲۸:۳۲-۱۳:۱۵ و ۱۷ و ۲۳؛ ۲:۳۳ و ۹؛ ۱۴:۳۶

^۸ همچنین نگ: عزراء: ۴:۱۰؛ ۱:۹ و ۲ و ۱۱ و ۱۴.

^۹ همچنین نگ: نحمیاء ۸:۵-۹ و ۱۷؛ ۶:۶ و ۱۶؛ ۱۳:۲۶.

شادی و ترنم خواهند کرد زیرا قوم‌ها را به انصاف حکم خواهی کرد و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد.» (۴:۶۷).

صحیفه اشعیاء

صحیفه اشعیاء نیز در باب تفاوت امت‌ها از یهودیان، آیاتی را طرح کرده است: «بنابراین خشم خداوند بر قوم خود مشتعل شده و دست خود را بر ایشان دراز کرده، ایشان را مبتلا ساخته است؛ و کوه‌ها بلرزیدند و لاش‌های ایشان در میان کوچه‌ها مثل فضلات گردیده‌اند. با وجود این همه، غضب او برنگردید و دست وی تا کنون دراز است؛ و علممی به جهت امت‌های بعید برپا خواهد کرد؛ و از اقصای زمین برای ایشان صفیر خواهد زد؛ و ایشان تعجیل کرده، بزودی خواهند آمد» (۲۵:۵-۲۶) نکته جالب و درخور توجه سخن از قوم بنی اسرائیل به عنوان امت عادل است: «در آن روز، این سرود در زمین یهودا سراییده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است. دروازه‌ها را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگاه می‌دارند داخل شوند.» (۲:۲۶-۱؛ مقایسه شود با ۲:۵۸).

احتمالاً دلیل صحبت از امت‌ها در عهد عتیق با رنگ و بوی عمدتاً کینه‌ورزانه، به این دلیل است که این ملت‌ها و مردمان با قوم بنی اسرائیل اختلاف و سر جنگ داشته‌اند. روشن است که به فراخنای زمین و با تقسیم آدمیان به دو گروه امت‌ها و قوم خدا، خیل کثیری از سکنه زمین در زمره غیر یهودیان باشند، از این رو قدر مسلم نه همه افراد ممالک هستی (امت‌ها) ایام کتاب مقدس، بلکه پاره‌ای از آن‌ها با یهودیان اختلاف داشته و مطعون ایشان بوده‌اند، بنابراین تلقی کلمه امت‌ها به مثابه دشمنان یهودیان پذیرفتنی نیست.

درخصوص این مدعا که امت‌ها تماماً مطرود کتاب مقدس نبوده‌اند، می‌توان به کورش اشاره داشت که در زمره امت‌ها بوده، لیکن از او به عنوان مسیح و منجی قوم خدا یاد شده است:

«خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که: دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود. چنین می‌گوید که من پیش روی تو خواهم خرامید و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت؛ و درهای برنجین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم برید؛ و گنج‌های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من پهوه که تو را به سمت خوانده‌ام خدای اسرائیل می‌باشم. به خاطر بنده خود یعقوب و برگزیده خویش

اسرائیل، هنگامی که مرا شناختی تو را به سمت خواندم و ملقب ساختم. من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نیست. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا شناختی.» (۶-۱:۴۵) روشن است که در این عبارات، سخن از عدم شناخت کوروش از یهوه در اصل ناظر بر غیر یهودی بودن او و در نتیجه، قرار داشتن او در زمره افراد امّت‌ها است!

شگفتا در پرتو مجاهدت‌های سپاهیان امّی، کورش توانسته به موفقیت و فتوحات مورد نظر دست یابد!

ارمیاء

در صحیفه ارمیاء نکته بدیع دیگری در باب امّت‌ها به دست می‌آید که یادآور نگاه قرآن است! این‌که یهوه برای هدایت امّت‌ها نیز پیامبری را مبعوث می‌کند! اینکه خسران امّت‌ها مطلق نیست:

«پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: قبل از آن‌که تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدن از رحم تو را تقدیس کردم و تو را نبی امّت قرار دادم.» (۴:۱-۵) «بدان که تو را امروز بر امّت‌ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا نمایی و غرس کنی.» (۱۰:۱؛ مقایسه شود با ۱۳:۲۵ و ۱۷). با وجود این، همچنان میان امّت‌ها با قوم خدا تمایز وجود دارد: «که آیا هیچ امّتی خدایان خویش را عوض کرده باشند با آن‌که آن‌ها خدا نیستند؟ اما قوم من جلال خویش را به آنچه فایده‌ای ندارد عوض کردند.» (۱۱:۲؛ مقایسه شود با ۱۵:۵).

از فحوای آیه ۲۵:۱۰ می‌توان نکته قابل استنباط است که همه امّت‌ها کافر و بی‌خدا و مطرود نبوده‌اند: «غضب خویش را بر امّت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز؛ و بر قبیله‌هایی که اسم تو را نمی‌خوانند، زیرا که ایشان یعقوب را خوردند و او را بلعیده، تباه ساختند و مسکن او را خراب کردند.» از نوع استعمال نکره کلمه «امّت‌هایی» مشخص می‌شود که لفظ مورد نظر ناظر بر همه آن‌ها نیست!

صحیفه حزقیال

در کتاب حزقیال نبی آیاتی دال بر اطلاق عنوان امّت به بنی اسرائیل موجود است: «که مرا گفت: ای پسر انسان من تو را نزد بنی اسرائیل می‌فرستم، یعنی نزد امّت فتنه‌انگیزی که به من فتنه‌انگیخته‌اند. ایشان و پدران ایشان تا به امروز بر من عصیان ورزیده‌اند.» (حزقیال، ۳:۲؛ مقایسه شود با ۵:۳).

هم چنین در این صحیفه مانند کتب پیشین از لفظ مزبور برای خطاب به اقوام و مردمان غیر یهودی و بیگانه استفاده شده است: «و شما را به بیابان امت‌ها درآورده، در آنجا بر شما روبرو داوری خواهم کرد» (۳۵:۲۰؛ مقایسه شود با ۲۲: ۱۵).

صحیفه دانیال

از سیاق آیات می‌توان استنباط کرد که صحیفه دانیال نبی نیز در اشاره به مردمان غیر یهودی از لفظ امت‌ها بهره گرفته است. (۴:۳ و ۷ و ۲۹؛ ۱: ۴؛ ۱۹:۵؛ ۶: ۲۶؛ ۷: ۱۴).

کتب یوئیل، عاموس، عوبدیا، میکاه

در تمایز میان قوم بنی اسرائیل از عنوان امت‌ها آمده: «و خداوند قوم خود را اجابت کرده، خواهد گفت: اینک من گندم و شیره و روغن را برای شما می‌فرستم تا از آن‌ها سیر شوید و شما را بار دیگر در میان امت‌ها عار نخواهم ساخت.» (یوئیل، ۲: ۱۹؛ مقایسه شود با ۲: ۳) «زیرا یَهُوَه خدای لشکرها می‌گوید: اینک ای خاندان اسرائیل من به ضد شما امتی بر می‌انگیزانم که شما را از مدخل حمات تا نهر عَرَبَه به تنگ خواهند آورد.» (عاموس، ۶: ۱۴؛ مقایسه شود با ۹: ۹) «زیرا چنان‌که بر کوه مقدس من نوشیدید، همچنان جمیع امت‌ها خواهند نوشید و آشامیده، خواهند بلعید و چنان خواهند شد که گویا نبوده‌اند.» (عوبدیا، ۱: ۱۶) «و امت‌های بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: بیاید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نماییم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد» (میکاه، ۴: ۲؛ مقایسه شود با ۵: ۱۵).

صحف حبقوق، صفنیا، حجی، ذکریا

در این کتاب‌ها، آیاتی بر تفاوت عنوان امت‌ها از قوم خدا دلالت می‌کنند: «در میان امت‌ها نظر کنید و ملاحظه نمایید و به شدت متحیر شوید. زیرا که در ایام شما کاری می‌کنم که اگر شما را هم از آن مخبر سازند، باور نخواهید کرد.» (حبقوق، ۱: ۵؛ مقایسه شود با ۱: ۶ و ۱۷؛ ۲: ۵ و ۸) «وای بر امت گریتیان که بر ساحل دریا ساکنند. ای کنعان، ای زمین فلسطینیان کلام خداوند به ضد شما است و من تو را چنان هلاک می‌کنم که کسی در تو ساکن نخواهد بود.» (صفنیا، ۲: ۵؛ مقایسه شود با ۲: ۱ و ۱۱ و ۱۴؛ ۳: ۶ و ۸) «زیرا که یهوه صباوت چنین می‌گوید:.. و تمامی امت‌ها متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت‌ها خواهند آمد و یهوه صباوت می‌گوید که این خانه را از جلال پر خواهم ساخت.» (حجی، ۲: ۶-۷) «زیرا یهوه صباوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید که هر که

شما را لمس نماید، مردمک چشم او را لمس کرده است.» (ذکریا، ۲:۸؛ مقایسه شود با ۲:۱۱؛ ۷:۱۴؛ ۸:۱۳؛ ۱۴:۱۹).

جمع‌بندی نکات عهد عتیق:

با بررسی صحف تورا و کتب انبیاء آراء متنوعی در باره اُمّت‌ها به دست می‌آید. رویکرد اصلی در این مجموعه از کتب، نکوهش و طعن اُمّت‌ها و متقابلاً ارج و قرب قوم خدا است. هر چند گاه عهد عتیق از دیدگاه‌های تند علیه اُمّت‌ها دوری گزیده، اما می‌توان چنین استنباط نمود که در نگاه کلی عهد عتیق، اُمّت‌ها خارج از حیطه طرح خداوندی و نجات او می‌باشند.

۳. نگاهی به مفهوم اُمّت‌ها در عهد جدید

در سر آغاز رسالت عیسی مسیح، مانند رویکرد غالب بر فضای یهودیت، نوعی احتراز و اجتناب از مخالفت و توجه به اغیار یا اُمّت‌ها استنباط می‌شود، به گونه‌ای که عیسی مسیح صراحتاً از درخواست زن کنعانی برای شفای دخترش استنکاف می‌ورزد! زیرا رسالت او محدود به قوم خداست: «پس عیسی از آنجا بیرون شده، به دیار صُور و صیدون رفت. ناگاه زن کنعانیه از آن حدود بیرون آمده، فریادکنان وی را گفت: خداوندا، پسر داودا، بر من رحم کن زیرا دختر من سخت دیوانه است. لیکن هیچ جوابش نداد تا شاگردان او پیش آمده، خواهش کردند که او را مرخص فرمای زیرا در عقب ما شورش می‌کند. او در جواب گفت: فرستاده نشده‌ام مگر به جهت گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل. پس آن زن آمده، او را پرستش کرده، گفت: خداوندا مرا یاری کن. در جواب گفت که نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست. عرض کرد: بلی خداوندا، زیرا سگان نیز از پاره‌های افتاده سفره آقایان خویش می‌خورند. آنگاه عیسی در جواب او گفت: ای زن! ایمان تو عظیم است! تو را بر حسب خواهش تو بشود؛ که در همان ساعت، دخترش شفا یافت.» (متی، ۱۵: ۲۱-۲۸؛ مقایسه شود با مرقس، ۷: ۲۷-۳۰)

این طرز تعامل تبعیض‌آمیز با اُمّت‌ها ریشه در سنت یهودیت دارد که پیشتر تبیین گشت. این ادبیات منسوب به مسیح نیز درخور توجه است که از اغیار و اُمّت‌ها به سگان تعبیر می‌کند!!

عیسی(ع) به حواریون خویش گوشزد کرده بود که در انجام رسالت خود از راه اُمّت‌ها عبور نکرده و از دیار آن‌ها نگذرند تا چه رسد به معاشرت با ایشان: «این دوازده را عیسی

فرستاده، بدیشان وصیت کرده، گفت: از راه امت‌ها مروید و در بلدی از سامریان داخل شوید، بلکه نزد گوسفندان گمشده اسرائیل بروید و چون می‌روید، موعظه کرده، گویند که ملکوت آسمان نزدیک است...» (متی، ۱۰: ۵-۷).

با وجود این، با پی‌گیری داستان رسالت عیسی به یکباره با تحولی عجیب مواجه می‌شویم، گویی که انحصارگرایی سنت یهودی تماماً در ادامه عهد جدید جای خود را به رهیافتی جهان‌شمولانه و همدلانه داده است!

این تحول یکباره و دفعی را می‌توان از بیان تمثیل‌گونه عیسی دریافت کرد: «ملکوت آسمان پادشاهی را ماند که برای پسر خویش عروسی کرد؛ و غلامان خود را فرستاد تا دعوت شدگان را به عروسی بخوانند و نخواستند بیایند. باز غلامان دیگر روانه کرده، فرمود: دعوت شدگان را بگویند که اینک خوان خود را حاضر ساخته‌ام و گاوان و پرورای‌های من کشته شده و همه چیز آماده است، به عروسی بیایید. ولی ایشان بی‌اعتنایی کرده، راه خود را گرفتند، یکی به مزرعه خود و دیگری به تجارت خویش رفت؛ و دیگران غلامان او را گرفته، دشنام داده، کشتند. پادشاه چون شنید، غضب کرده، لشگریان خود را فرستاده، آن قاتلان را به قتل رسانید و شهر ایشان را بسوخت. آنگاه غلامان خود را فرمود: عروسی حاضر است؛ لیکن دعوت شدگان لیاقت نداشتند. الآن به شوارع عامه بروید و هر که را به عروسی بطلبید. پس آن غلامان به سر راه‌ها رفته، نیک و بد هر که را یافتند جمع کردند، چنانکه خانه عروسی از مجلسیان مملو گشت.» (متی، ۲۲: ۱-۱۰) در این تمثیل منظور از پادشاه، خداوند است که برای رهایی قوم خویش کسانی چون عیسی مسیح، را می‌فرستد، لیکن ایشان (قوم) به درخواست‌ها و رسالت‌های آنان بی‌اعتنایی می‌کنند. همین امر منجر به تغییر در برنامه نجات شده و دایره اشمال آن را جهانی و عام می‌گرداند تا این بار، هر که مومن و مطیع خداوند است داخل حریم امن نجات گردد! براین مبنا، منظور از غلامان در این تمثیل همان امت‌ها است.

گونه دیگر از این قسم تعبیرات در انجیل لوقاست: «و در شهرها و دهات گشته، تعلیم می‌داد و به سوی اورشلیم سفر می‌کرد، که شخصی به وی گفت: «ای خداوند آیا کم هستند که نجات یابند؟ او به ایشان گفت: جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید. زیرا که به شما می‌گویم بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست. بعد از آنکه صاحب خانه برخیزد و در را ببندد و شما بیرون ایستاده، در را کوبیدن آغاز کنید و گویند، خداوند! خداوند! برای ما باز کن. آنگاه وی در جواب خواهد گفت شما را نمی‌شناسم که از کجا هستید. در آن

وقت خواهید گفت که در حضور تو خوردیم و آشامیدیم و در کوچه‌های ما تعلیم دادی. باز خواهد گفت، به شما می‌گویم که شما را نمی‌شناسم از کجا هستید؟ ای همه بدکاران از من دور شوید. در آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود، چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و جمیع انبیا را در ملکوت خدا بینید و خود را بیرون افکنده یابید و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در ملکوت خدا خواهند نشست؛ و اینک آخرین هستند که اولین خواهند بود و اولین که آخرین خواهند بود.» (لوقا، ۱۳:۲۲-۳۰).

بدیهی است که در این آیات، منظور از کسانی که از مشرق و مغرب و شمال و جنوب، جانب ملکوت خدا می‌آیند و به تعبیر بهتر به آن ایمان می‌آورند، همان اُمّت‌ها هستند! بر همین اساس، ایشان که آخرین افرادی هستند که مژده نجات را می‌شنوند زودتر و پیشتر از قوم - که نخستین مخاطبان بشارت بودند - نجات خواهند یافت و به تعبیر لوقا، آخرین‌ها اولین خواهند بود! بنابراین، منظور از آنهایی که در حضور خداوند به سر برده و اما به آن وقعی ننهاده‌اند، همان بنی اسرائیل است.^{۱۰}

از این‌جا به گونه کاملاً متفاوت‌تر از قبل، به حواریون دستور داده می‌شود که تمام اُمّت‌ها را شاگرد سازند: «پس رفته، همه اُمّت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید؛ و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند؛ و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی، ۲۸:۱۹-۲۰). این آیات مهم‌ترین انگیزه و دستاویز مسیحیان برای فعالیت گسترده تبشیری مسیحیان در سراسر جهان بوده است.

بدین‌گونه، آن تفاخری که براساس ختنه میان یهودیان برقرار بود و عامل انحصارگرایی و جدایی خود از اُمّت‌ها شمرده می‌شد، با این تحول، دیگر ارزش و اهمیت خود را از دست داد! چنان‌که دیگر مختون و نامختون در پذیرش پیام نجات تفاوتی ندارند.^{۱۱} «اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود. ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا. هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند.» (اول قرنتیان، ۷:۱۹) «در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند.» (غلاطیان ۵:۶) «زیرا که به سبب شما در میان اُمّت‌ها

^{۱۰}همچنین نگ: متی: ۸:۱۲؛ ۲۱:۴۳؛ ۲۴:۱۴.

^{۱۱}- Dictionary of Biblical Imagery, P:1118

اسم خدا را کفر می‌گویند، چنان‌که مکتوب است. زیرا ختنه سودمند است هرگاه به شریعت عمل نمایی. اما اگر از شریعت تجاوز نمایی، ختنه تو نامختونی گشته است. پس اگر نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، آیا نامختونی او ختنه شمرده نمی‌شود» (رومیان، ۲۴:۲-۲۶).

بنابراین هر چند در عهد جدید از لفظ امت‌ها در اشاره به اقوام و مردمان غیر یهودی و بیگانه استفاده شده، با این حال با رویکرد عهد عتیق متفاوت است: «که امت‌ها در میراث و در بدن و در بهره وعده او در مسیح بوساطت انجیل شریک هستند» (افسیسیان، ۳:۶).

جمع‌بندی عهد جدید

مسیحیت با تمرکز بر نصوص عهد جدید، در آغاز رویکردی نسبتاً منفی به امت‌ها و افراد غیر بنی اسرائیل داشته تا بدان پایه که عیسی مسیح که در جای جای انجیل به مهربانی وصف شده از درخواست مادری برای شفای دخترش که البته غیر یهودی است، به صراحت اجتناب می‌ورزد! با این حال با پیگیری مفهوم امّی و امت‌ها در آیات عهد جدید، اتخاذ رویکرد کاملاً متفاوتی را می‌توان ملاحظه کرد. به تعبیری می‌توان گفت بر خلاف عهد عتیق، عهد جدید به رغم وجود برخی از آیات، برای امت‌ها اصالت قائل شده و آن‌ها را نیز اهل نجات دانسته است.

۴. سیر مفهوم امّی و امت‌ها در عهد جدید

متی

در انجیل متی منظور از امت‌ها، غیر یهودیان و به تعبیری بیگانگان هستند: «که زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف اُردن، جلیل امت‌ها؛ قومی که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و بر نشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید.» (۱۵:۴-۱۶) ^{۱۲}

مرقس

در انجیل مرقس نیز از عنوان امت‌ها برای خطاب به غیر یهودیان استفاده شده است، با تفاوت که دیدگاه مساعدتری به امت‌ها اعمال شده است: «و تعلیم داده، گفت: آیا مکتوب نیست که خانه من خانه عبادت تمامی امت‌ها نامیده خواهد شد؟ اما شما آن را مغازه دزدان ساخته‌اید. چون رؤسای کهنه و کاتبان این را بشنیدند، در صدد آن شدند که او را چطور هلاک

^{۱۲}همچنین نگ: متی ۷:۶ و ۳۲؛ ۱۰:۵؛ ۱۸:۱۲-۲۱؛ ۱۷:۲۰-۱۹؛ ۲۴:۹ و ۱۴؛ ۱۹:۲۸.

سازند زیرا که از وی ترسیدند چون که همه مردم از تعلیم وی متحیر می‌بودند.» (مرقس، ۱۷:۱۱).

لوقا

در این بخش از عهد جدید نیز لفظ اُمّت‌ها به معنای غیر یهودیان دیده می‌شود: «الحال ای خداوند بنده خود را رخصت می‌دهی، به سلامتی برحسب کلام خود. زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است، که آن را پیش روی جمیع اُمّت‌ها مهیا ساختی. نوری که کشف حجاب برای اُمّت‌ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بُوَد.» (لوقا ۲:۲۹-۳۲؛ مقایسه شود با ۴۷:۲۴).

اعمال رسولان

کتاب اعمال رسولان گویای اطلاق عنوان اُمّت‌ها به مردمان نامختون و غیر یهودی است: «و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آن‌که بر اُمّت‌ها نیز عطای روح القدس افزایه شد.» (۱۰:۴۵) ^{۱۳}

رساله‌های: رومیان، اول و دوم قرنتیان، غلاطیان، افسسیان، کولسیان، اول تسالونیکیان،

مکاشفه یوحنا.

در این بخش‌ها نیز بالاتفاق عنوان اُمّت‌ها ناظر بر اقوام و مردمان غیر یهودی است: «ای جمیع اُمّت‌ها خداوند را حمد گوید و ای تمامی قومها او را مدح نمایید» (رومیان، ۱۱:۱۵) ^{۱۴} «می‌دانید که هنگامی که اُمّت‌ها می‌بودید، به سوی بت‌های گنگ برده می‌شدید به طوری که شما را می‌بردند» (اول قرنتیان، ۲:۱۲) «در سفرها بارها؛ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای قوم خود و در خطرهای اُمّت‌ها؛ در خطرهای شهر؛ در خطرهای بیابان؛ در خطرهای در دریا؛ در خطرهای در میان برادرانِ کَدَبَه؛» (دوم قرنتیان، ۱۱:۲۶) «چون که قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب، با اُمّت‌ها غذا می‌خورد؛ ولی چون آمدند، از آنانی که اهل ختنه بودند ترسیده، باز ایستاد و خویشان را جدا ساخت.» (غلاطیان، ۲:۱۲) ^{۱۵} «یعنی به من که کمتر از کمترین همه مقدسینم، این فیض عطا شد که در میان اُمّت‌ها به دولت بی قیاس مسیح بشارت دهم»، (افسسیان، ۳:۸) «و نه در هوس شهوت، مثل اُمّت‌هایی که خدا را نمی‌شناسند»

^{۱۳} - همچنین نگ: اعمال رسولان ۱۷:۲۶؛ ۱۹:۱۵؛ ۳۵:۱۰؛ ۱۴:۱۵ و ۱۲؛ بویژه آیات ۱۳:۴۶-۱۴:۴۸ و ۲۷؛ ۱:۱۱؛ ۲۱:۲۱ و ۲۵ و ۲۸؛ ۲۱:۲۲؛ ۱۷:۲۶؛ ۲۸:۲۸.

^{۱۴} - بنگرید به رومیان ۲:۲۴؛ ۳:۲۹؛ ۴:۱۷-۱۸؛ ۹:۲۴ و ۳۰؛ ۱۱:۱۱ و ۱۳؛ ۱۰:۱۵ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۷.

^{۱۵} - همچنین نگ: غلاطیان ۸:۲ و ۱۴ و ۱۵.

(اول تسالونیکیان، ۴:۵) «و صحنِ خارجِ قدس را بیرون انداز و آن را میپما زیرا که به امت‌ها داده شده است و شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد.» (مکاشفه یوحنا، ۱۱:۲)^{۱۶}

۵- نگاه اجمالی به مفهوم واژه امّی و امّیون در قرآن کریم

مصحف شریف در ضمن آیاتی، از نبی مکرم اسلام (ص) با کنیه و صفت امّی یاد کرده است. پیش از هر گمانه زنی در باب معنا و مفهوم کلمه یاد شده، باید در نظر داشت که از لحاظ محتوا و درونمایه، اسلام از جمله ادیان ابراهیمی - سامی است و مضاف بر آن، از نظر زبانی نیز نزدیکترین خویشاوندان زبان عربی، زبان‌های عبری و آرامی است، بر این اساس، شاید بتوان معنای «امّی و امّیون» را در پرتو این ترابط خانوادگی تفسیر و تعبیر کرد: اشتقاق دقیق واژه امّی چندان روشن و شفاف نیست. گواه این مدعا، گمانه‌زنی‌های گونه‌گون موجود در باب ریشه این واژه است. در نظر رایج غالب مفسران^{۱۷} از جمله علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱/۲۱۵) واژه امّی در معنی و مفهوم بی‌سواد و کسی است که توانایی خواندن نداشته است.

برخی دیگر هم معتقدند امّی منسوب به ام‌القری است؛ یعنی اهل مکه (طبرسی، ۷/۲۵). برخی دیگر، بر آنند که واژه امّی و امّیون در اصل ناظر بر افراد غیر اهل کتاب به‌ویژه غیر یهودی است (طبرسی، ۱/۲۲۹؛ قرطبی، ۱۸/۹۱). ولی بنابر تحلیل نگارندگان، امّی در معنی دقیق‌تر، کسی است که با کتاب مقدس یهودیان به‌خوبی آشنا نیست، هرچند یهودی یا مسیحی باشد.

مروری بر آیات قرآن:

در قرآن کریم، واژه امّی ۲ بار، امّیون ۱ بار و امّیین ۳ بار ذکر شده است. با مروری بر آیات مربوط چهار گزینه ۱- بی‌سواد، ۲- غیر اهل کتاب، ۳- نا آشنا به عهدین (تورات و انجیل)، و ۴- مکی، وابسته به ام‌القری را در ترجمه و متن آیات می‌سنجیم:

الف: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ

^{۱۶} - همچنین نگ: ۷:۱؛ ۲:۲۶؛ ۹:۵؛ ۹:۷؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۲:۵؛ ۱۴:۶ و ۸؛ ۱۵:۴؛ ۱۷:۱۵؛ ۱۵:۱۹؛ ۲۱:۲۴.

^{۱۷} James Robson, Ummi, P: 627-628//A Concise Encyclopedia of Islam, Gordon Newby, P: 207

ابن خلدون، ۴۹۵-۴۹۶؛ فخررازی، ۳۸۱/۱۵؛ ابن‌واضع، یعقوبی، ۲/۶۹.

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الَّذِي يَأْتِيكُمْ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ
وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف: ۱۵۸-۱۵۷).

یعنی: «همانان که از این فرستاده پیامبر "امی"^{۱۸} که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند* بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبر "امی" است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید.»

در آیات مذکور آیا ارتباطی ملازمه‌ای بین بی‌سواد بودن و در عین حال مذکور بودن در تورات و انجیل وجود دارد؟ و یا شگفتی معجزآسا این است که فرد غیریهودی، عهدین نخوانده، مورد تأیید کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان بوده است. بی‌ارتباطی دو گزینه دیگر مورد تردید نیست.

ب: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغُضُوبِهمْ إِلَىٰ بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ* أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ * وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ* فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْتُمُونَ» (بقره: ۷۶-۷۹).

یعنی: «و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم، و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند، آیا فکر نمی‌کنید؟* آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند و آنچه را

^{۱۸} - در ترجمه این آیه، فولادوند معادل امی «درس نخوانده» گذارده است.

آشکار می‌کنند می‌داند* و [بعضی] از آنان "امیونی"^{۱۹} هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند و فقط گمان می‌برند* پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف‌شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند، پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.»

از آیات مذکور بر می‌آید که برخی یهودیان نیز امی هستند و بر گمان بی‌مایه تفسیر می‌کنند.

ج: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۲۰).

یعنی: «پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] و به کسانی که اهل کتابند و به "امیین"^{۲۰} بگو آیا اسلام آورده‌اید پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست.»

در آیه یاد شده با صراحت گروه امیین در برابر گروه اهل کتاب معرفی شده است.

د: «وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَانْتِهِمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۵).

یعنی: «و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمردی آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمردی آن را به تو نمی‌پردازد مگر آن‌که دایماً بر [سر] وی به پا ایستی، این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند در مورد "امیین" بر زیان ما راهی نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با این که خودشان [هم] می‌دانند.»

در آیه فوق، فولادوند امیین را به‌درستی چنین ترجمه کرده است: کسانی که کتاب آسمانی ندارند. یعنی برخی از اهل کتاب تصرف اموال‌امت‌ها (پیروان دیگر ادیان) را سهل می‌شمرند.

^{۱۹}- فولادوند: بی‌سوادانی

^{۲۰}- در ترجمه فولادوند، امیون به مشرکان ترجمه شده است.

هذَ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲) یعنی: «اوست آن کس که در میان "امیین" آفرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

حضرت باری بر مردم مکه و مدینه منت می‌گذارد که از میان آنانی که مانند یهود «قوم برگزیده» نبودند، و نمی‌توانستند کتاب و حکمت تلاوت کنند، رسولی را برانگیخت تا از گمراهی آنان را رهایی دهد.

و: یکی از مهم‌ترین مستندات کسانی که امی را بی‌سواد ترجمه می‌کنند، آیه ۴۸ سوره عنکبوت است: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» یعنی: «و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی و گر نه باطل‌اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند.»

آیه ۵۲ سوره شوری نیز همین مضمون را می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» یعنی: «و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می‌نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی.»

بر اساس تفسیر آیه فوق، پیامبر اکرم (ص) نه تنها اهل قرائت و کتابت نبوده، بلکه حتی توانایی آن را نیز نداشته است، البته برخی گویند بعد از بعثت، آن حضرت با اعجاز الهی توانایی یافت و یکی از بحث‌های مناقشه‌انگیز حدیثی است که بر مبنای آن پیامبر اعظم برای نگارش وصیتش دوات و قلم خواست تا امر مهمی را بنگارد ولی نیاوردند.^{۲۲} در خصوص دو

^{۲۱} - فولادوند: بی‌سوادان

^{۲۲} - این حدیث در شش مورد در صحیح بخاری و سه مورد در صحیح مسلم، از معتبرترین کتب روائی اهل سنت، آمده است. بخش نخست این ماجرا مطابق نقل «مسلم» در کتاب صحیح خود چنین است: سعید بن جبیر می‌گوید: ابن عباس گفته است: «یوم الخمیس، و ما یوم الخمیس، ثم جعل تسبیل دموعه حتی رأیت علی خدّیه کأنّھا نظام اللؤلؤ. قال: قال رسول الله: «التونی بالکتف والدواء - او اللوح والدواء - اکتب لکم کتاباً لن تضلّوا بعده ابداً، یعنی: پنج شنبه و چه روز پنجشنبه سختی بود! آنگاه ابن عباس گریست و سیل اشک او را دیدم که همچون رشته مروارید بر گونه‌هایش جاری شد. سپس ادامه داد: رسول خدا فرمود: «برای من کاغذ و قلمی بیاورید تا برای شما نوشته‌ای بنگارم که پس از آن هرگز گمراه نشوید...» (نگ: صحیح بخاری، کتاب العلم، باب ۳۹ «باب کتابه العلم»، ح ۴، کتاب الجهاد والسير، باب ۱۷۵، ح ۱، کتاب الجزیه، باب ۶، ح ۲، کتاب المغازی،

آیه اخیر، گویا مفسران مذکور توجه نداشته‌اند که واژگان مشتق از ریشه کلمه تلاوت در حدود ۶۰ بار در قرآن آمده، ولی فقط در خصوص توانایی خواندن متون مقدس و احکام الهی است^۳، در حالی که فعل قرائت، شمولیت عام داشته و برای خواندن همه نوع متون استفاده می‌شود. (المفردات فی غریب القرآن، ۳۹)

به نظر می‌رسد منظور از این آیه رفع اتهام از نبی مکرم اسلام باشد که متهم به اقتباس از متون پیشینیان بود. بنابراین آیه یاد شده را می‌توان چنین تعبیر کرد که اساساً حضرت محمد (ص) اهل تلاوت متون مقدس اهل کتاب نبوده‌اند که اتهام ناروای اقتباس از متون مورد نظر به ایشان وارد آید.

نتیجه‌گیری

با بررسی مصادیق و مفهوم عنوان امت‌ها در عهد عتیق و عهد جدید، و قرآن کریم نکات شایان توجهی در باره تحول انحصارگرایی در کتاب مقدس به دست می‌آید:

۱. عنوان امت‌ها لفظی است که در آغاز کتاب مقدس ناظر بر تمام نوع بشر، یهودی و غیر یهودی، بود، و هم شامل عبرانیان و آباء یهودیت و خاندان و نسل‌های متعاقب آن‌ها و هم شامل افراد و اقوام دیگر بوده است.

۲. به توالی و با ترسیم سیمای غیردینی و در برخی موارد انتساب سجایای غیر اخلاقی به اقوامی که لفظ امت‌ها را به مانند عبرانیان حمل می‌کنند، اندیشه تمایز بنی اسرائیل از سایرین به وجود آمد؛ لذا دیگر از عنوان امت‌ها غالباً برای غیر یهودیان و بیگانگان استفاده شد و لفظ مفرد «قوم» برای یهودیان به کار گرفته شد.

۳. رویکرد انحصارگرایانه عهد عتیق به ابتدای عهد جدید نیز راه یافته است. عیسی در آغاز رسالت خویش همچون سنت یهودیت از مخالفت با امت‌ها احتراز جسته و خود را رسول قوم خدا معرفی می‌نماید. اما در اثر بی‌اعتنایی عمده قوم به بشارت نجات عیسی، گویی برنامه نجات تغییر یافته و دامنه آن گسترش می‌یابد و شامل همه مردم در اقصای گیتی می‌شود.

۴. نکته مهم در این مسأله لفظ امت‌ها در گذر ایام از آغاز تا صدر مسیحیت، فرایند نسبتاً یکنواختی را طی کرده است و صرفاً با حصر شمولیت آن به اقوام غیر یهودی، تحول شایان

باب ۸۴ «باب مرض النبی ووفاته»، ح ۴، همان باب، ح ۵، کتاب المرضی، باب ۱۷ «باب قول المرضی قوموا عنی»، ح ۱؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیه، باب ۶، ح ۶، همان باب، ح ۷، همان باب، ح ۸؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیه، باب ۶، ح ۷) ^۳ - از جمله در بقره/۴۴ و ۲۵۲ و ۱۲۹ و ۱۵۱ و ۱۲۱ و همچنین در آل عمران/۱ و ۹۳ و ۱۱۳ و ۸۵ و ۱۰۸ و ۱۶۴ و...

توجه دیگری در معنا و مفهوم آن مشاهده نمی‌شود. از همین رو عنوان امت‌ها از تاریخ عهد جدید نیز به بعد نیز ناظر بر همان غیر یهودیان است.

۵. لفظ امّی و امّیون در قرآن نیز محتملاً دلالت بر همان اصطلاح مورد نظر کتاب مقدس دارد. ظاهراً نبی مکرم اسلام را بنا بر آیات قرآن مجید، پیامبری از میان غیر اهل کتاب (امّیون) باید دانست و اطلاق عنوان بی‌سواد صرفاً با استناد به آیات مربوط به امّی، اعتبار ندارد. زیرا اثبات بی‌سوادی ایشان با تکیه بر لفظ امّی، نشان از عظمت قرآن ندارد، بلکه عظمت و ارزش بی‌بدیل این کتاب جاویدان در مفاهیم استوار و ژرف آن است.

بنابراین اگر این فرض را ممکن بشماریم که واژه امّی مطرح در قرآن کریم دلالت بر معنا و مفهوم امت‌ها در کتب پیشین (کتاب مقدس) دارد، می‌توان این نتیجه را گرفت که امّی دانستن یک فرد در اصل به معنای غیر یهودی یا به دیگر سخن غیر بنی‌اسرائیلی بودن اوست. از این رو اطلاق معانی چون بی‌سواد، درس ناخوانده و مکتب نرفته و... به «شخص امّی» براساس این جستار چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه افراد دلائلی دیگر به دست دهند. به هر روی آنچه که از پیگیری معنا و ماهیت مفهوم امت‌ها در عهد عتیق و عهد جدید بدست می‌آید این است که امت‌ها در تعبیر عهدین و امّی در تعبیر قرآن کریم ناظر بر افراد غیر بنی‌اسرائیلی است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات دفتر مطالعات و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۱۸۳ م.
بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۴.
مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
نووی، یحیی بن شرف، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت، شرکه ابناء شریف

الأُنصاري، ٢٠٠٧م.

يعقوبي، احمد بن اسحاق، *تاريخ يعقوبي*، بيروت، دارصادر، قم، موسسه و نشر فرهنگ اهل البيت، بي.تا.

Adams Hannah, *Dictionary of all Religions and Religious Denominations*, Published by: James East burn & Company, Boston, 1817.

Britannica Encyclopedia of World Religions, Chairman of Board: Jacob E.Safra, President: Jorge Aguilar, Chicago-London, 2006.

David W.Suter"Gentile", *HarpperCollins Bible Dictionary*, Ed: Paul J.Achtemeier, New York, 1996.

Dictionary of Biblical Imagery, Ed:Leland Ryken and others, Inter Varsity Press, USA, 1998

Jacob Neusner and Alan J. Avery, *The Routledge Dictionary of Judaism*, Peck, Routledge, New York-London, 2004.

Kenneth Atkinson, *Religions of the World: Judaism*, Chelsea House, Philadelphia, 2004.

Lavinia & Dan Cohn-Sherbok, *A Popular Dictionary of Judaism*, Routledge Curzon, London -New York, 2005.

Sara E.Karesh and Michell M.hurvitz, *Encyclopedia of Judaism*, Facts on File, New York, 2006

T.Witton Davies "Nations", *Dictionary of the Bible*, Ed: James Hastings, New York, Charles Scribners Sons, 1909.